

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پایگاه‌های انقلاب اسلامی

مساجد

کتاب اول

«مسجد جلیلی» به روایت اسناد ساواک

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

پاییز ۱۳۸۸

مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک.
تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸.
سی و چهار، ۶۲۱ ص: نمونه.

پایگاههای انقلاب اسلامی. مساجد: کتاب اول
شابک: 978 - 964 - 8145 - 81 - 6 - ISBN:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. مسجد جلیلی (تهران)

۲. روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی

۳. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- جنبشهای اسلامی

۴. ایران -- وزارت اطلاعات. مرکز بررسی اسناد تاریخی

DSR ۱۵۸۲

۱۳۸۸ م ۸ ج

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

کتابخانه ملی / ۱۷۵۴۳۳۲

شناسنامه :

مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۱۴۵ - ۸۱ - ۶ - ISBN

ISBN 978 - 964 - 8145 - 81 - 6

<http://www.historydocuments.ir>

E - mail: cihd@historydocuments

صندوق پستی: ۴۷۳۵ - ۱۹۳۹۵

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
پنج	سخن ناشر
هفت	پیشگفتار
یازده	مقدمه
۱	اسناد
۶۲۳	منابع و مأخذ
۶۳۱	فهرست اعلام
۶۸۹	ضمائم
۷۰۵	عکس‌ها

سخن ناشر

نهضت اسلامی مردم ایران از سال ۱۳۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به لحاظ منحصر به فرد بودن آن شایان بررسی و تفحص همه‌جانبه است. در این میان نقش حیاتی مساجد در شکل‌گیری، توسعه، راهبرد، تداوم، هماهنگی و پیروزی آن اهمیت به‌سزایی دارد و بدون امعان‌نظر به آن، تحلیل حوادث و یا حتی وقایع‌نگاری تاریخی این حادثه بزرگ امکان‌پذیر نیست. مرکز بررسی اسناد تاریخی از سال‌ها قبل در برنامه‌ریزی خود به این نکته توجه داشته و با بسیج نیرو و امکانات خود در صدد جمع‌آوری اسناد مکتوب آن برآمد تا اینکه با توفیق الهی کار جمع‌آوری اسناد مربوطه به مرحله‌ای رسید که اکنون امکان چاپ و انتشار آن فراهم گردید و از آن جایی که اسناد مربوط به مسجد جلیلی تهران از کیفیت قابل قبولی برخوردار بوده و نقش آن نیز در حرکت انقلاب اسلامی بارز و مهم ارزیابی می‌شد، اقدام به انتشار آن به عنوان اولین کتاب از مجموعه پایگاه‌های انقلاب اسلامی - مساجد، نمود. امید آن که به تدریج اسناد مربوط به مساجد تهران و سایر استانها پس از تدوین نهایی و پوشیدن لباس زیبای طبع، در دسترس عموم قرار گیرد.

چند نکته:

۱- آن چه ملاحظه می‌نماید، اسناد به دست آمده از پرونده‌های مختلف ساواک است که به فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرا شده در مسجد جلیلی ارتباط دارد و اسناد پیرامونی مانند شرکت اعضای مسجد جلیلی در مراسم دعای ندبه در منازل یا در سایر مساجد یا مکان‌های دیگر در نظر گرفته نشده و جزء این اسناد نیامده است.

۲- مجموعه این اسناد شامل کلیه فعالیت‌های آشکار و پنهان انجام گرفته در مسجد جلیلی نیست و تنها بخشی از آن است که از نظر ساواک دور نمانده و توسط منابع آن سازمان گزارش شده و به صورت مکتوب در پرونده‌ها ضبط و بایگانی گردیده است.

۳- اسناد به ترتیب تاریخ وقوع آورده شده و در سندهایی که تاریخ وقوع آن معلوم نیست به شماره و تاریخ

نامه و گزارش توجه شده و براساس آن تنظیم گردیده است.

۴- از هرگونه ویرایش اسناد خودداری شده تا حتی الامکان اسناد به همان گونه که درج شده منعکس گردد فقط در مواردی که غلط‌های بارز و فاحش ملاحظه می‌شود، در داخل قلاب [] صحیح آن آورده شده است.

۵- در ابتدا و انتهای اسناد برخی کدها، نام‌ها، علائم و رموز وجود دارد که مفهوم آن عبارت است از: ۳۱۲: بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی از اداره یکم عملیات و بررسی سازمان ساواک. نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک و گزارشگری است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر ارائه شده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که پس از گزارش منبع، آن را تأیید یا تحلیل می‌کند.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه شنبه: نظریه امنیت داخلی است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت است.

کدهای زیر هم اسم رمز ساواک‌های مراکز استان‌ها است.

- ۱ هـ (ساواک گیلان)، ۲ هـ (ساواک مازندران)، ۳ هـ (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴ هـ (ساواک آذربایجان غربی)، ۵ هـ (ساواک کرمانشاه)، ۶ هـ (ساواک خوزستان)، ۷ هـ (ساواک فارس)، ۸ هـ (ساواک کرمان)، ۹ هـ (ساواک خراسان)، ۱۰ هـ (ساواک اصفهان)، ۱۱ هـ (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲ هـ (ساواک بوشهر)، ۱۳ هـ (ساواک همدان)، ۱۴ هـ (ساواک سمنان)، ۱۵ هـ (ساواک لرستان)، ۱۶ هـ (ساواک بوشهر)، ۱۷ هـ (ساواک هرمزگان)، ۱۸ هـ (ساواک کهگیلویه و بویراحمد)، ۱۹ هـ (ساواک چهارمحال و بختیاری)، ۲۰ هـ (ساواک تهران)، ۲۱ هـ (ساواک قم)، ۲۲ هـ (ساواک اراک)، ۲۳ هـ (ساواک قزوین)، ۲۴ هـ (ساواک ایلام)، ۲۵ هـ (ساواک زنجان)، ۲۶ هـ (ساواک یزد).

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

پیشگفتار

ما در جهانی مادی زندگی می‌کنیم. اشیاء فراوان اعم از جاندار و بی جان ما را احاطه کرده و تنوع موجودات طبیعی و مادی در هستی شگفت‌انگیز و بهت‌آور است. هیچ موجودی در عالم عین موجود دیگر نیست و در عین حال مشترکات و همگونی‌های فراوان آن‌ها را به هم پیوند داده است. کوچکترین آن‌ها که ذرات اتم^(۱) را تشکیل می‌دهد تا بزرگترین آن‌ها که کهکشان‌ها را تشکیل می‌دهند؛ ساده‌ترین آن‌ها که موجودات تک سلولی هستند تا پیچیده‌ترین آن‌ها که ما انسان‌ها هستیم، در محدوده اشتراک و تمایز قرار دارند و بودن همه عناصر عالم مادی در این محدوده خود پیوند بزرگ آن‌هاست. همگی در داشتن طول، عرض، حجم و وزن یکسانند و مکان و زمان آن‌ها را همچون پوسته‌ای در برگرفته است. ابعاد، اندازه‌ها و مقدارها در آن معنی و مفهوم واقعی دارند. عوارض متفاوت در آن‌ها وفور داشته و حواس ما آن را ادراک می‌کند و از درهم آمیختن یا از هم گسیختن آن‌ها نتایج گوناگون به دست می‌آورد.

مکان و زمان اشیاء و پدیده‌ها جزء جدانشدنی آن است. تمام حرکت‌ها رشد و نموها، جنبش‌ها و سکون‌ها، آمدن‌ها و رفتن‌ها، بودن‌ها و شدن‌ها در این دو ظرفیت وجود و هستی می‌یابد. نه بودنشان و نه پایان پذیرفتنشان خارج از بُعد مکان و زمان نیست. پس بررسی هر کدام از آن‌ها چه با تیزی جاقوی دانشمندان علوم طبیعی و چه با تیزی عقول دانشمندان علوم انسانی و عقلی بدون در نظر گرفتن مکان و

۱- معنای لغوی اتم خود بر کوچکترین دلالت دارد. دمکریت فیلسوف بزرگ یونان باستان می‌گفت: اصل جهان از یک عنصر تجزیه‌ناپذیر است که از ترکیب آن اشیاء مختلف پدید می‌آید و آن را اتم نامید. «ا» به معنای نفی «اتم» از واژه بریدن و قطع کردن یا بخش‌ناپذیر و در اصطلاح فلسفی ما به معنی جزء لایتجزی است.

زمان یا حاصلی نداشته و یا ناقص و کم فایده خواهد بود.^(۱)

در علم تاریخ و تاریخ‌پژوهی نیز هر چند آنچه بالا صاله مطرح می‌باشد سیر و سیرت و سلوک انسان‌ها و نوع عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها و نتایج آن، چگونگی بر آمدن و فروریختن تمدن‌ها، حکومت‌ها، آداب، رسوم، عادات و فرهنگ‌ها^(۲).. است ولی تمام این‌ها بدون بررسی مکان‌ها و زمان‌های وقوع حوادث

۱- از نظر فلسفی، مکاتب و آراء و نظریات مختلفی در خصوص ماده و بُعد زمان و مکان چه در میان فلاسفه غرب و چه در میان فلاسفه شرق وجود دارد، آراء دکارت، کانت، هگل، جان لاک، مارکس، لنین، در فلسفه غرب و آراء فلاسفه چین، هند و ایران نظیر ابوبکر محمد ابن زکریای رازی، غزالی، ابوعلی سینا، ملاصدرا از آن جمله‌اند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ملحق موسوعه الفلسفه نوشته عبدالرحمن بدوی، فلسفه کانت نوشته شتفان کوونر، ترجمه عزت‌الله فولادوند انتشارات خوارزمی، درباره هگل و فلسفه او نوشته کریم مجتهدی انتشارات امیرکبیر.

۲- ابن خلدون در این باره می‌گوید: «بدان که فن تاریخ را روشی است که هر کس بدان دست نیابد؛ چه، این فن ما را به سرگذشت‌ها و خوی‌های ملت‌ها و سیرت‌های پیامبران و دولت‌ها و سیاست‌های پادشاهان گذشته آگاه می‌کند. باید دانست که حقیقت تاریخ خیر دادن از اجتماع انسان‌ها یعنی اجتماع جهان و کیفیاتی است که به طبیعت این اجتماع عارض می‌شود چون توحش و همزیستی، عصبیت‌ها و انواع جهان‌گشایی‌های بشر و چیرگی گروهی بر گروه دیگر و آنچه از این اجتماع ایجاد می‌شود مانند: تشکیل سلطنت و دولت و مراتب و درجات آن و آنچه بشر در پرتو کوشش و کار خویش به دست می‌آورد چون: پیشه‌ها و معاش و دانش و هنرها و دیگر عادات و احوالی که در نتیجه طبیعت این اجتماع روی می‌دهد.»

مؤلف کتاب مفتاح السعادة نیز گفته: «علم تاریخ معرف احوال طوایف بشری است که آداب و رسوم و انساب آدمی را در بر می‌گیرد... هدف علم تاریخ آشنایی و آگاهی از حالات گذشتگان است. فایده علم تاریخ گرفتن عبرت و پند از سرنوشته پیشینیان است.» (تاریخ ادیان و مذاهب جهان، نوشته عبدالله مبلغی آبادانی، جلد اول، فصل تاریخ)

هم چنین والش نیز می‌گوید: «تاریخ از جهاتی مطالعه گذشته است، اما گذشته نوع بشر. تاریخ از زمانی علاقه‌مندی خود را نسبت به گذشته آغاز می‌کند که نوع بشر نخستین در آن ظاهر می‌شود. توجه اصلی تاریخ به تجربیات و اعمال انسانی معطوف است. به عبارت دیگر توجه تاریخ بر روی فعالیت‌های انسان که در مدت نسبتاً کوتاهی شناخته شده متمرکز می‌باشد.» (دبلیو. ایچ. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۳) هم چنین مراجعه کنید به: تاریخ چیست؟ نوشته ای‌اچ کار. ترجمه دکتر حسن کامشاد، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی سال ۱۳۵۱ و کندوکاوی در تعریف علم تاریخ و نقد یک نگاه، نوشته علی‌رضا ملاتی‌توانی، فصلنامه تاریخ اسلام سال ششم، تابستان ۱۳۸۴ شماره ۲۲.

مورد تحقیق، کامل نمی‌گردد. در بررسی تاریخ و بالاخص تاریخ انقلاب‌های معاصر جهان مکان‌یابی رشد و بالندگی انقلاب یا افول و شکست آن مهم و بایسته است؛ چرا که نوع و شکل زندگی اجتماعی و نحوه ارتباط و تعامل افراد با یکدیگر از محدوده رنگ و نژاد و قوم و زبان فراتر رفته و با پیشرفت‌های علوم و فن‌آوری، مرزهای این دسته‌بندی‌ها شکسته یا تأثیر آن سست گردیده است.

انقلاب اسلامی مردم ایران نیز از جهت ظرف مکانی، رشد و بالندگی آن، نیاز به تحقیق و تفحص همه جانبه دارد تا معلوم شود جای آن کجا بوده؟ حقایق و آگاهی‌ها و روشنگری‌های عامه مردم چگونه و از کجا به گوش‌ها و سپس به قلب‌ها رسیده و در این حرکت چه مسیری را پیموده؟ نیروهای مبارز آن در چه پایگاهی آموزش دیده و ورزیده شده‌اند، و آن پایگاه چه خصوصیات مادی و معنوی داشته و چه آثار مادی و معنوی روی افراد و شاگردان خود گذاشته است؟ سازماندهی مسلمانان مبارز و بیداری و راهنمایی مسلمانان غیر مبارز در کدامین کلاس و مدرسه و در کدامین میدان و سنگر انجام گرفته؟ رهبران پایگاه‌ها چه کسانی بوده و کار رهبری گروه خود را به چه نحو انجام داده‌اند؟ منابع مالی و هزینه‌های مبارزه در چه محلی جمع‌آوری شده و با چه مدیریتی هزینه گردیده است؟ و ده‌ها و صدها سؤال از این دست در گرو بررسی پایگاه‌های انقلاب اسلامی است.

آنچه در این سری از مجموعه پایگاه‌های انقلاب اسلامی (مساجد) مورد نظر است، نمایاندن مرکزیت مساجد در جریان حرکت‌های انقلاب اسلامی و روشن نمودن نقش عظیم آن در پیروزی است. در این باره هر چند تحقیقاتی انجام گرفته و به چاپ رسیده که شایسته تقدیر است ولی جز چند مسجد مهم و مشهور آن هم در شهر تهران را در بر ننگرفته است و حق مطلب در خصوص مکان مقدس و سترگی همچون مسجد ادا نشده است. به علاوه این که کتاب‌ها و مقالات منتشره بر محور تاریخ شفاهی دوران داشته و توجه به اسناد در آن، در مرحله بعد، قرار گرفته است.^(۱)

لذا از سال‌ها پیش پژوهشگران و محققین مرکز بررسی اسناد تاریخی این مهم را در نظر داشته و قصد داشتند با جمع‌آوری اسناد به جا مانده در ساواک این وظیفه را به انجام برسانند تا با ارائه آن راه پژوهش برای اندیشمندان علوم تاریخ، جامعه، سیاست، روانشناسی و علوم ارتباطات اجتماعی میسر و آسان

۱- در این باره می‌توان کتاب‌های: مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی (ره)، تاریخ شفاهی مسجد جلیلی، تاریخ شفاهی مسجد ارک تهران، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، مسجد و انقلاب اسلامی، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی منتشره از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و تعدادی مقاله در شماره‌های مختلف مجله مسجد متعلق به مرکز رسیدگی به امور مساجد را بر شمرد.

گردد؛ ولی از آن جایی که در پرونده‌های ساواک موضوعی مستقل به نام مساجد با کلاسه‌ای مشخص وجود نداشت به ناچار بسیاری از پرونده‌های روحانیون و افراد متدین و مبارز بایستی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفت و اسناد مرتبط با پایگاه مساجد استخراج می‌گردید. حجم و سنگینی کار موجب شد تا جمع‌آوری آن، به طول انجامد و در کوتاه مدت توفیقی حاصل نشود. به هر حال با همت و تلاش عزیزانمان در این مرکز این کار به انجام رسیده و تاکنون بیش از چهارده هزار برگ سند شامل فعالیت‌ها و حرکت‌های اسلامی و فرهنگی و سیاسی مساجد از سراسر کشور گرد آمده و ان‌شاءالله به تدریج کار تدوین، تبیین و گویاسازی متون آن صورت پذیرفته و آماده چاپ و عرضه خواهد شد. البته تأکید می‌شود که همه اینها بخشی از فعالیت مؤثر و عظیم مساجد کشور - در وظیفه انقلابی خود بوده و بسیاری از فعالیت‌ها از چشم و ذهن مأمورین و رؤسای ساواک دور مانده لذا گزارشی از آن در پرونده‌ها درج نگردیده و این بدین معناست که بخش اعظم مساجد کشور - حداقل از سال ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب اسلامی - جوشان و خروشان به حرکت ادامه می‌داده ولی از پوشش کامل حفاظتی و امنیتی مأمورین سازمان امنیت مخفی و به دور مانده است.

لازم به یادآوری است که برخی از این اسناد در کتاب‌های پیشین این مرکز که درباره شخصیت‌های ارزشمند انقلاب اسلامی بوده به چاپ رسیده^(۱) ولی به خاطر حفظ وحدت موضوع و پرهیز از خدشه در سیر تاریخی حرکت انقلابی مساجد در کشور، در این کتاب و در کتاب‌های بعد نیز خواهد آمد تا از ارجاع خواننده به کتاب‌های مختلف چاپ شده خودداری و کار بررسی و تحقیق و تمرکز بر این موضوع خاص برای خواننده و پژوهشگر آسان و سهل گردد.

از همه عزیزانی که تاکنون ما را یاری داده‌اند و امیدواریم همچنان به یاری خود ادامه دهند و تا پایان این مجموعه مددکار ما باشند تشکر و قدردانی به عمل می‌آوریم. از وزیر محترم دادگستری جناب آقای دکتر الهام و از مسئولین و محققین و کارمندان محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی به ویژه زحمتکشان مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه آن مرجع معزز، مرکز رسیدگی به امور مساجد، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مرکزی پارک شهر کمال تشکر را داشته از خداوند متعال برای همه آنان اجر و توفیق مسئلت می‌نماییم.

۱- به عنوان نمونه برخی از اسناد این کتاب (مسجد جلیلی) در کتاب آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی به روایت اسناد ساواک که مجموعه شماره ۳۸ از سری کتاب‌های یاران امام به روایت اسناد ساواک می‌باشد در سال ۱۳۸۵ توسط این مرکز به چاپ رسیده، آمده است.

مقدمه

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم «انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الاخر و اقام الصلوة و اتى الزكوة و لم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين»
«مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا ترسد، امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.»

سورة توبه آیه ۱۷

مساجد دژ و سنگرهای بلند مرتبه و عظیم الشان، ملجاء و پناهگاه‌های امن و خانه و منزلگاه‌های رفیع و گرانقدرند. توجه و التفات به آن در قرآن کریم و در سخنان پیشوایان دین (علیهم السلام) و در بیانات علما و فقها و درس آموختگان مکتب توحید آن چنان وفور و کثرت دارد که خود حدیث مفصلی است و جای تحلیل و بررسی بسیار دارد.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) اهمیت فوق العاده‌ای برای ساخت و آبادی ظاهری و باطنی آن قائل بود. توقف چند روزه آن حضرت پس از هجرت به مدینه در منطقه‌ای به نام قبا و ساخت اولین مسجد در آیین اسلام در آن محل، توقف ایشان میان قبیله بنی سالم و برگزاری نماز جمعه در آن و ساخت مسجد جمعه و سپس ورود حضرت به مدینه و بنای مسجد در اولین محل فرود ایشان در آن شهر که مسجدالنبی (ص) نام گرفت، نشان‌دهنده این اهمیت است.

پیامبر گرامی همیشه در سخنان و آموزه‌های خود بنا کردن مسجد را تبلیغ و تشویق فرموده و از آن به

عنوان کاری مهم و در خور ستایش خالق و دریافت پاداش‌های فراوان یاد می‌نمود. به عنوان نمونه به سخنان زیر می‌توان اشاره کرد.

هر کس مسجدی بنا کند اگر چه به اندازه لانه مرغی باشد خداوند متعال از برای او خانه‌ای در بهشت بنا کند.^۱

- مساجد را بنا کنید و آن‌ها را محل اجتماع خود قرار دهید.^۲

- هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که علمی تعلیم دهد یا نهری به جریان اندازد، یا چاهی حفر کند، یا نخلی بکارد، یا مسجدی بسازد، یا مصحفی به ارث گذارد، یا فرزندی بجا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد.^۳

- هر که برای خدا مسجدی بسازد، خواه کوچک و خواه بزرگ، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بسازد.^۴

- هر که مسجدی برای رضای خدا بسازد خداوند همانند آن خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد.^۵

- هر که برای خدا مسجدی بسازد و در آن ریا و خودنمایی به کار نبرد، خدای تعالی در بهشت خانه‌ای برایش بنا کند.^۶

به همین دلیل ساخت مساجد در مدینه و اطراف آن، به موازات گسترش اسلام و ازدیاد گروندگان به آن‌رو به افزایش گذاشت و در جای جای جزیره‌العرب رونق و فراوانی یافت، بالاخص این که مساجد مسلمین مانند معابد آیین‌های دیگر صرفاً محل عبادت و اعمال فردی نبود بلکه بسیاری از شؤون آموزشی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی در آن متمرکز گردیده و به انجام می‌رسید. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «جوشش و جنبش علمی مسلمین از مدینه آغاز شد. اولین کتابی که اندیشه مسلمین را به خود جلب کرد و مسلمین در پی درس و تحصیل آن بودند قرآن و پس از قرآن احادیث بود... مسلمین با حرص و ولع فراوانی آیات قرآن را که تدریجاً نازل می‌گشت فرا می‌گرفتند و به حافظه می‌سپردند و آن چه را که نمی‌دانستند از افرادی که رسول خدا آن‌ها را مأمور کتابت آیات قرآن کرده بود و به کاتبان وحی معروف بودند می‌پرسیدند. به علاوه بنا به توصیه‌های مکرر رسول خدا سخنان آن حضرت را که به سنت رسول معروف بود از یکدیگر فرا می‌گرفتند. در مسجد پیغمبر رسماً حلقه‌های درس تشکیل می‌شد و در آن حلقه به بحث و گفتگو درباره مسایل اسلامی و تعلیم و تعلم پرداخته می‌شد...»^۷

روایات بسیاری تشکیل جلسات علمی را در مسجد تأیید می‌کند خصوصاً این که سرپرستی این جلسات با عالم‌ترین افراد و خصوصاً شخص نبی اکرم بود. بعضی از این مساجد در هنگام جنگ تبدیل به بیمارستان می‌شد چنان که «رفیده» در جریان جنگ خندق به سفارش و دستور پیامبر خیمه خود را در مسجد نبوی برپا نمود.^۸

مساجد سبعة در منطقه احزاب،^۹ محوریت نقش مسجد را در تولید و پیشرفت و گسترش علم و توسعه سیاسی و اجتماعی نمایان تر می‌سازد. این مناطق به طور قطع تنها محل عبادت نبوده است، بلکه مکان‌هایی جهت تجهیز، آموزش، توجیه و سازماندهی مسلمین در نبرد بود، نکته مهم دیگر این که یکی از این مساجد به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اختصاص داشته که گویای این مسئله است که زنان نیز پایه پای مردان در این عرصه‌ها تلاش نموده‌اند. پس از رحلت آن بزرگوار نیز مسجد از نظر تعلیم و دانش‌پژوهی موقعیت ویژه خود را حفظ نمود. ابن عباس در مسجد الحرام می‌نشست و تفسیر قرآن آموزش می‌داد. بعدها که دامنه فتوحات اسلامی گسترش یافت مسجدهای بزرگ و باشکوهی ساخته شد و یکی از استفاده‌های مهمی که از آن‌ها شد تشکیل جلسات درس متعدد در آن‌ها بود.

معاویه ابن ابی سفیان نقل می‌کند: «زمانی که وارد مسجد نبوی شدم حلقه‌ی درسی را دیدم که در آن مردم با توجه کامل نشسته بودند و آن حلقه‌ی درس حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بود که جمع چنان محو سخنان و بحث علمی او شده بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته بود و آنان از ترس این که پرواز کند حرکت نمی‌کردند، همه با توجه کامل برای فهم و درک بهتر به سخنان حسین (علیه السلام) گوش می‌کردند.»^{۱۰}

مسجد در صدر اسلام مرکز فرماندهی، محل قضاوت و سیاست و میعادگاه تجمع و تصمیمات بود و این سنت در زمان خلفا و حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز ادامه داشت و طبیعی است که چنین باشد زیرا اسلام، دین جامع دنیا و آخرت است و تفکیک دین از سیاست و اجتماع در آن جای ندارد. دنیا و دین در این مکتب ادغام شده‌اند و حاکم بر دنیا باید دین و خدا باشد.^{۱۱}

پیامبر از هنگام ورود به مدینه تا رحلت یعنی در مدت ده سال، بیش از هفتاد غزوه و سریه^{۱۲} را پشت سر گذاشت. در اغلب جنگ‌ها سپاهیان مسلمان از مسجد حرکت می‌کردند. در جنگ احد لشکر پیامبر پس از به پاداشتن نماز عصر در مسجد با بدرقه مسلمانان به سوی احد عزیمت کردند. حتی پس از بازگشت از جنگ نیز پیامبر نخست به مسجد می‌آمد و نماز می‌گزارد که به مفهوم شکرگزاری بود. سایر فرماندهان نیز از این عمل پیامبر پیروی می‌کردند. اسامة بن زید پس از مراجعت از نبرد مؤته در حالی که پرچم جنگ پیشاپیش او حمل می‌شد، نخست به مسجد رفت و پس از آن که نماز گزارد به خانه‌اش بازگشت. هم‌چنین اخبار جنگی در مسجد به آگاهی مردم می‌رسید و مشاوره نظامی نیز درباره مسائل جنگ در مسجد انجام می‌شد. معروفترین نمونه آن جنگ احد است که پیامبر پس از مشورت با مردم در مسجد با وجود آن که نظر دیگری داشت اما رأی اکثریت را پذیرفت. عملکرد پیامبر نقش جاودانه‌ای را برای مسجد ترسیم کرد که بعدها با گسترش قلمرو حکومت اسلامی و توسعه سازمان‌های اداری و

حکومتی، بخشی از کارکردها و وظایف مسجد به سایر نهادها و سازمانها انتقال یافت.^{۱۳} حضرت امام خمینی (قدس سره) که خود احیاءکننده نقش مساجد در دوران معاصر بوده است در این باره می‌فرماید:

«این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده، اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) همان مسایل عبادی و نماز و روزه باشد، مسایل سیاسی اش بیشتر بوده، هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را.»^{۱۴}

«دعا و زیارت یک باب از ابواب اسلام است. لکن سیاست دارد اسلام، اداره مملکتی دارد اسلام، ممالک بزرگ را اداره می‌کنند... تفاوت کلیسا و مسجد، خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیسا است. مسجد وقتی نماز در آن برپا می‌شده است، تکلیف معین می‌کرده‌اند، جنگ‌ها شالوده‌اش ریخته می‌شده است، تدبیر ممالک از آن جا، مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست... مسجد مسلمین در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در زمان خلفایی که بودند - هر جور بودند - مسجد مرکز سیاست بوده است.»^{۱۵}

«حضرت علی (ع) هم دستگاه و بارگاهش این مسجد است، توی این مسجد می‌آید می‌نشیند، همه می‌آیند حرف‌هایشان را به او می‌زنند. از مسجد هم لشکر درست می‌کند، می‌فرستد به این طرف و آن طرف برای پیشرفت اسلام.»^{۱۶}

پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) مسجد همچنان مرکز ثقل انواع فعالیت‌ها بود و خلفای بعد از او نیز کم و بیش همین روش را در کارکردهای مسجد مد نظر و عمل قرار می‌دادند. گفته شده پس از فتح بیت المقدس به دست ابو عبیده جراح، خلیفه دوم برای سرکشی و بازدید از فتوحات به عمل آمده با سر و وضعی ساده به اتفاق زبیر بن عوام و عمرو بن مالک قیسی راهی آن دیار می‌شود، پس از رسیدن به بیت المقدس می‌گوید: «راست گفتمی یا رسول الله، کجایند کسانی که گفته تو را تکذیب می‌کردند تا ببینند امروز ارتش پیروزمند تو بر لشکریان فارس و روم غلبه نموده است.» خلیفه و همراهان او پس از ورود به بیت المقدس از کلیساها و معابد دیدن کردند و در مسجد الاقصی نماز گزار شدند.^{۱۷}

سرتوماس آرنولد می‌نویسد:

«مسجد تنها یک عبادتگاه نبود، بلکه مرکزی بوده است برای حیات سیاسی، اجتماعی، پیامبر سفیران را در مسجد به حضور می‌پذیرفت، شئون دولت را از مسجد اداره می‌کرد و برای مردم در امور سیاسی و دینی از فراز منبر پیام می‌فرستاد.»

خلفای بعد از پیامبر نیز سفرا را در مسجد به حضور می‌پذیرفتند و قراردادهای مهم دولتی و بین‌المللی در ارتباط با مصالح عمومی در مسجد منعقد می‌شد.^{۱۸}

مسجد در هر شهر و هر دیاری مرکز تجمع مسلمین و تلاقی افکار و عقاید آنان بوده و نیز به همین سبب بود که تعلیمات پیامبر اسلام و خلفا غالباً در مسجد مدینه صورت می‌گرفت و همین سنت تا چند قرن باقی ماند. در قرون نخست هر نوع تجمع سالمی در مسجد صورت می‌گرفت. درهای مسجد شب و روز باز بود، مردم عادی پس از اداي نماز ساعتی برای ملاقات با دوستان، کسب اطلاعات و پرداختن به اخبار نو در محوطه مسجد باقی می‌ماندند و صرفاً یک مکان مذهبی به معنای مصطلح نبود، بلکه در آن فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز صورت می‌گرفت.^{۱۹}

علاوه بر ساخت و آبادانی ظاهری مساجد پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی (علیهم‌السلام) سخنان گهرباری در وصف آبادکنندگان باطنی آن ایراد فرموده‌اند که به خوبی مکان شرافت و سترگی این جایگاه و پایگاه الهی را نمایان می‌سازد، به عنوان نمونه به فرمایشات زیر بسنده می‌کنیم.

- محبوب‌ترین جایگاه شهرها مساجد هستند.^{۲۰}

- خداوند از آبادکنندگان مساجد آفات و بلیات را برداشته است.^{۲۱}

- روندگان به سوی مساجد و علاقه‌مندان به آن دارای نور تمام و در سایه خداوند متعال در روز قیامتند.^{۲۲}

- خداوند فرمود: آن که مرا دوست دارد مسجد را خانه و بست خود سازد، که آن جا خانه من و درگاه

زیارت من است و من زیارت‌کننده خود را بزرگ شمرده و از او احسان دریغ نسازم.^{۲۳}

- به جماعت در مسجد درآیید و یاد خدا کنید تا به غیر حساب وارد بهشت شوید.^{۲۴}

- خداوند فرمود: اگر کسی مرا دوست دارد باید رسول را دوست بدارد و هر که رسولم را دوست دارد باید

خاندان او را دوستدار باشد و هر کس خاندان رسول را دوست می‌دارد باید قرآن را دوست بدارد و

دوست دار قرآن باید مساجد را دوست بدارد که آن جا محضر من است، مبارک است و فرخنده و اهلش

محفوظ است و ایمن، نمازگزارانش حاجت روا و من یاور و پشتیبان آن‌ها، اگر در راهش بمیری ضامن

بهشت منم، میمون و مبارک و اهلش سعادت‌مند و خوشبخت، آن‌ها در پرستش و عبادت من، و من در

برآوردن خواست آن‌ها، آن‌ها در مسجد و خانه من، و من دنبال مشکل‌گشایی آنها.^{۲۵}

- مسجد بارگاه خداست با پاکی و وقار به بارگاه الهی در آیید، با تواضع و فروتنی در خانه خدا قدم گذارید

تا شیرینی مناجاتش را در کام خود بیابید و از جام رحمتش برخوردار گردید، هدایای فراوان عطایان

نماید و به زمین و طبقات آن فرمان دهد تا برای شما عبادت کنند.^{۲۶}

مساجد و حکومت پهلوی

از دوره احمدشاه تا پایان حکومت رضاشاه را می‌توان دوره فترت و مهجوریت و مظلومیت مساجد نام نهاد. زیرا علاوه بر تهی شدن از آبادانی ظاهری از آبادی باطنی که عبارت است از: حضور فعال مؤمنین در آن و فعالیت در جهت تهذیب، آموزش و نشر و گسترش اسلام و مقابله با دشمنان دین و تشریک مساعی در حل معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه، خالی گردیده و یا آثار کمی در آن به چشم می‌خورد. در پایان و زوال حکومت قاجاریه اوضاع اجتماعی و سیاسی و بی‌لیاقتی احمدشاه و... علت عمده این وضع بود و پس از روی کار آمدن رضاخان، دیکتاتوری مطلق وی و درگیری شدید با مظاهر دینی و اسلامی و علمای مدافع آن و قلع و قمع و تبعید و حبس و قتل آن‌ها دلیل آن بود. جنایت فجیع رضاخان در تاریخ ۲۰ تا ۲۲ تیر ماه ۱۳۱۴ در مسجد گوهرشاد که عده کثیری از مردم متدین و بی‌گناه مشهد به خاک و خون غلتیدند و علما دستگیر و شکنجه و عده‌ای تبعید و زندانی و برخی فراری شدند از جمله نکبت‌بارترین سوابق پهلوی اول است. جلوگیری از مجالس و عظ و خطابه و سخنرانی و روضه و عزاداری برای ابا عبدالله الحسین (علیه‌السلام) در مساجد و تکایا، محدود کردن، سرکوب نمودن علما و مردم متدین، تخریب و نابودی مساجدیابی اثر کردن و از خاصیت انداختن آن، اتحاد شکل لباس، صدور تصدیق با شرایط خاص برای روحانیون، تشکیل مؤسسه و عظ و خطابه در مقابل حوزه علمیه قم، تأسیس دانشکده معقول و منقول برای جذب روحانیون و خالی کردن حوزه‌ها از طلاب، برقراری امتحانات خارج از حوزه علمیه برای طلاب، اجباری کردن لباسهای فرنگی برای مردان و کشف حجاب زنان و... گوشه‌ای از این اقدامات رسمی هستند^{۲۷} و حال آن که اقدامات مختلف دیگری نیز به انجام رسیده که رسماً نه اعلان شده و نه به صورت کتبی از آن مدرکی باقی مانده است. محمد شریف‌رازی در تشریح وضع روحانیون و پایگاه‌های آن‌ها یعنی مساجد و مدارس دینی در زمان حکومت رضاخان می‌نویسد: «زمان آیت‌الله حائری [مؤسس حوزه علمیه قم] بی‌شکایت به زمان بنی‌امیه و حکومت حجاج بن یوسف ثقفی نسیبده، چنانچه در آن زمان شیعیان آل علی (علیه‌السلام) خوار و محکوم به اعدام بودند در زمان رضاشاه که معاصر با مرحوم آیت‌الله حائری (ره) بوده، نیز مؤمنین و پیروان آل محمد (صلی‌الله‌علیه و آله) ذلیل و زبون بودند... چه مقدار از شیعیان فداکار و گویندگان نامی اسلام را چون آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی و برادرش حاج آقا جمال و حجت‌الاسلام باقری و حاج آقا حسین قمی و علمای عالی قدر اسلام را تبعید و یا مسموم و مقتول و یا خانه‌نشین نموده و از مساجد و پست‌های دینی ساقط و ممنوع کردند. هر کس حرفی می‌زد کلمه حق می‌گفت زبانش را از دهانش بیرون آورده و او را خفه می‌کردند... مسجد خراب کردند، جلوی نماز جماعت را گرفتند، مردم را از رفتن به مسجد و... منع کردند... اذان گفتن و قرآن

خواندن و عزاداری نمودن بر امام حسین (علیه السلام) را ممنوع کردند. از پستوی خانه‌ها روضه خوانها و عاظ و مستمعین را به دادگاه می بردند و پرونده می ساختند و محکوم به زندان و جریمه می کردند... دولتی‌ها تصمیم و جدیتشان در به هم زدن حوزه علمیه و این عده محدود و معدود اهل علم بود و حقاً هم کوتاهی نکردند، آنچه را که نکردند توانایی و قدرت آن را نداشتند و الا مضایقه از مقدور خود نمودند. وقتی مرحوم حائری در ذی قعدة ۱۲۵۵ هـ ق (۱۳۱۵ هـ ش) پس از ۸۲ سال عمر دار فانی را وداع گفت... در صبح ۱۷ ذی قعدة که خبر فوت ایشان در قم و تهران و سایر بلاد منتشر شد... اول کاری که نمود این بود که نگذاشتند نصف روز هم برای آن فقید مجلس سوگواری گزارده شود و آمدند و به خصوص علما و طلاب را متفرق کرده و مجلس فاتحه را در همان ساعت اول به هم زده، آن را جمع کردند و هر وقت به اهل علم می رسیدند می گفتند: «چرا شما معطل هستید، بزرگتان که مرد و از میان شما رفت دیگر چه می خواهید، بروید از قم و متحدالشکل شوید و متفرق گردید، دوره آخوندی تمام شد.»^{۲۸}

این وقایع تلخ تا آخرین روزهای سلطنت رضاخان ادامه داشت، تا این که انگلیس بنابر مصالح خود تصمیم به برکناری او و جایگزینی پسرش محمدرضا گرفت، محمدرضا در شهریور سال ۱۳۲۰ بر جای پدر نشست و دوره دوم دیکتاتوری پهلوی با انتصاب او به سلطنت آغاز شد. وی نیز همانند پدر تاج دارش در طول بیش از سی سال حکومت خود نسبت به آیین مقدس اسلام و پرچمداران آن یعنی روحانیت آگاه و مبارز و پایگاه‌های اسلام یعنی مساجد بدترین ظلم‌ها و جنایات‌ها را روا داشت و از قتل و شکنجه و بستن و تخریب مساجد فروگذار نکرد و در جهت برآوردن منافع و دستورات و خواست‌های اربابان انگلیسی و امریکایی خود دریغ و مضایقه نمود.

منتهی با خروج رضاشاه از ایران و ایجاد آزادی نسبی که به واسطه هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی دوم ایجاد شده بود و انتشار انواع و اقسام نشریاتی که به علت دیکتاتوری و اختناق رضاشاهی مجال چاپ و نشر نمی یافتند و بالا رفتن سواد و درک عمومی از اوضاع و حوادث و بروز روحانیت بیدار و آگاه و... محمدرضا هیچگاه نتوانست، پایگاه‌های مبارزه یعنی مساجد را قلع و قمع نماید و صدای حق طلبی و عدالت خواهی از این خانه‌های خدا تا پیروزی انقلاب اسلامی جاری و ساری بود. اگر چه که بسیاری از روحانیون و مردم مؤمن و متدین این مملکت بهای آن را با جان و مال خود پرداختند.

مبارزه با لایحه اصلاحات ارضی و اجتماع مردم در مسجد سیدعزیرالله در بازار تهران و کشتار مردم توسط رژیم، الغاء لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پس از تصویب آن در آذر ۱۳۴۱ به خاطر مبارزه و مقاومت سرسختانه علما و مردم و تجمع و اعتراض در مساجد و تکایا، به خاک و خون کشیدن طلاب مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ و عکس‌العمل شدید امام خمینی (ره) و مردم متدین در ماه محرم

سال مذکور به این جنایت و تجمع در مسجد هدایت و حاج ابوالفتح، واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تظاهرات گسترده مردم در قم، وارمین و سایر شهرها علیه دستگیری حضرت امام خمینی (ره) و قتل عام تظاهرکنندگان، سخنرانی امام علیه طرح مصونیت قضایی مستشاران آمریکایی (کاپیتولاسیون) و روشنگری علما و روحانیون در مساجد و مناظر و تبعید رهبر کبیر انقلاب اسلامی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و... وقایع مهم و گسترده در سالهای ۵۶ و ۵۷ و...

در تمام این مبارزات نقش مساجد، نقش اساسی و بنیانی بوده و تجمع‌ها، تظاهرات، هماهنگی‌ها، چاپ و پخش اعلامیه‌ها، بیداری و روشنگری نسبت به توطئه‌های استعمار و رژیم وابسته به آن... از مساجد آغاز و در مساجد به انجام می‌رسید. امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

«... مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، حرب است، این رامی خواهند از دست شما بگیرند... اینها از مسجد بد دیدند، خصوصاً در این دو سه سال اخیر. در این دو سه سال اخیر، مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد. اینها می‌خواهند این سنگر را بگیرند... شیاطین دنبال این هستند که این اسلام را بشکنند، شیاطین آنچه که از اسلام دیدند از هیچی ندیدند... ما باید و نسل‌های آتیه باید متوجه باشند که این اسلام را حفظش کنند، در زیر پرچم اسلام مجتمع شوند و اسلام همه چیز دارد؛ اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه‌بُعدها را نظر به آن دارد.»^{۲۹}

«... مساجد در انقلاب اسلامی ایران، مرکز انقلاب و مرکز آشنایی مردم با اسلام و وظایف شرعی آنان در جهت پاسداری از ارزش‌های والای اسلام بوده است. مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود. این مساجد بوده که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^{۳۰}

«شما باید هوشیار باشید که مسجدها پتان و محراب‌ها پتان و منبرها پتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق. شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این مرکز معجزه، نه رها کنید او را.»^{۳۱}

مقام معظم رهبری نیز در این مورد فرمود:

«علت این که این انقلاب مبارک در ایران اسلامی پیروز شد، یکی از علل این پیروزی و سهولت این پیروزی لااقل این بود، مردم به مسجد اقبال پیدا کردند، جوان‌ها مساجد را پر کردند، علمای اعلام مساجد را به عنوان یک مرکزی برای تعلیم، برای تربیت، برای روشنگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند و مسجد شد مرکزی برای حرکت، برای آگاهی، برای نهضت، برای افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم